



نور و در آذربایجان



منصوره شق

نوروز در آذربایجان

تألیف

منصوره وثیق



تیریز ۱۳۹۴

سرشناسه	وئبق، منصوره
عنوان و نام پدیدآور	: نوروژ در آذربایجان/ تالیف منصوره وئبق.
مشخصات نشر	: تبریز: ایران‌شناخت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۸ص.؛ ۵/۱۴×۵/۳۱ س.م.
شابک	: ۳۰۰۰۰۰ ریال: 978-600-94396-8-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۴۶۹]-[۲۸۵]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: نوروژ -- ایران -- آذربایجان
موضوع	: نوروژ -- ایران -- آذربایجان -- آداب و رسوم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ۴۱۳۲/۲۸۷۲GT:
رده بندی دیویی	: ۲۶۹۵۵۲/۳۹۴:
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۶۵۷۵۷:



شناسنامه کتاب

نام کتاب : نوروژ در آذربایجان
مؤلف : منصوره وئبق
به سفارش: موسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن
نوبت چاپ: اول
تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه
حروفچینی و طراحی : موسسه تاریخ و فرهنگ دیارکهن
لیتوگرافی: امید
چاپ: امید
قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال
ناشر: ایران شناخت
محل نشر : تبریز
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۹۶-۸-۳

مرکز پخش تهران ۲۶۷۰۰۲۰۸-۲۶۷۰۰۲۰۶
مرکز پخش در تبریز انتشارات ایران شناخت ۰۴۱۳۵۵۷۶۸۹۳

فهرست مطالب

۱۲.....	مقدمه
۱۴.....	پیشگفتار
فصل اول : نوروز گاهشماری جشن ها	
۲۳.....	گاهنبارها
۲۵.....	کبیسه
۲۷.....	پنجه (خمسه مسترقه، بهیزک)
۲۸.....	فروردگان
۳۰.....	هنگام نوروز و نوروزها
۳۱.....	نوروز معتضدی
۳۲.....	نوروز عضدی
۳۳.....	نوروز سلطانی (جلالی، ملکی)
۳۶.....	نوروز خوارزمشاهی
۳۷.....	نوروز غازانی (خانی)
۳۸.....	روایات داستانی و تاریخی پیدایش نوروز
۴۵.....	نوروز، در فروردین ماه
۴۷.....	نوروز و علت های پیدایش آن
۵۲.....	وجه تسمیه نوروز
۵۵.....	خاستگاه تاریخی نوروز
۵۶.....	دوره هخامنشی (۵۵۹ - ۳۳۰ پ. م.)

- دوره اشکانی (۲۵۰ پ. م. - ۲۲۶ م.) ۶۴
- دوره ساسانی (۲۲۴ - ۶۵۲ م.) ۶۵
- زمان جشن نوروز و مهرگان؛ علت برتری نوروز بر مهرگان؟ ۶۸
- نوروز بزرگ و کوچک یا خاصه و عامه ۷۳
- نوروز کوچک یا عامه ۷۵
- نوروز بزرگ یا خاصه ۷۹
- چرا نوروز بزرگ در روز ششم فروردین برگزار می‌شده است؟ ۸۸
- جشن‌های بهاری در میان سایر اقوام و ملل ۹۱
- مراسم جشن بهاری سال نو در بابل و همانندی‌های آن با ایام نوروز ایرانی ۹۸
- نوروز و سرودهای نوروزی ۱۰۴
- سرودهای نوروزی در آذربایجان ۱۰۸

فصل دوم : پیشواز رفتن

- ۱- پیک‌های نوروزی ۱۱۵
- کوسه برنشین ۱۱۵
- آتش افروز ۱۲۹
- حاجی فیروز ۱۳۰
- عروس گوله ۱۳۳
- میر نوروزی ۱۳۴
- خان سیزده روز ۱۳۹
- نوروزی‌خوان ۱۴۰
- تَکَمچی‌ها، پمیک‌چی‌ها (نمونه پیک‌های نوروزی در اردبیل) ۱۴۲
- تَکَم یا تَکه‌گردانی ۱۴۴

۱۴۵		سایاچی‌ها (نمونه پیک‌های نوروزی در جلفا و عجب‌شیر)
۱۴۷		چیلله قوودو
۱۴۹		خلاصه کلام
۱۵۱		۲- سبزه رویاندن
۱۵۱		در ایران باستان
۱۵۴		در ایران امروز
۱۵۷		۳- خانه تکانی
۱۵۸		خانه تکانی در آذربایجان (او توخماخ)
۱۶۰		۴- چهارشنبه سوری
		واژه و پیشینه چهارشنبه سوری؛ آیا چهارشنبه سوری از جشن‌های پیش از اسلام است؟
۱۶۰		
۱۶۷		چهارشنبه‌های ماه آخر سال در آذربایجان
۱۷۱		بوته‌افروزی
۱۷۴		بوته‌افروزی در آذربایجان
۱۷۶		آب‌پاشی و آب‌بازی؛ باورها و پنداشت‌ها
۱۸۱		باورها و پنداشت‌ها در آذربایجان
۱۸۸		فالگوش‌نشینی، فالگوش
۱۸۹		قاشق‌زنی
۱۸۹		بخت‌گشایی؛ باورها و پنداشت‌ها
۱۹۱		کوزه، کوزه‌شکنی
۱۹۲		فال کوزه، فال آب (سو فال)
۱۹۳		فال انگشتی
۱۹۴		فال سوزن و پنبه
۱۹۵		اسپند
۱۹۸		آجیل چهارشنبه سوری (چارشنبه یمیشی)

- ۲۰۰ بازار چهارشنبه (چارشنبه بازاری)
- ۲۰۳ لباس نو (بایرام پالتاری)
- ۲۰۴ شام چهارشنبه سوری
- ۲۰۵ شال انداختن (قورشاق سالام، قورشاق سالاماق)
- ۲۰۷ چهارشنبه خاتون (چرشنبه خاتون)
- ۲۰۹ دیدار خانواده‌های عزادار
- ۲۰۹ هـ یادآوری مردگان (اموات)
- ۲۱۲ پیشینه یادآوری مردگان و همانندی آن با سایر اقوام
- ۲۱۷ نام گرهن / دفتر آموزش روان
- ۲۱۸ مراسم یادآوری مردگان در اسلام و سایر ادیان الهی
- ۲۲۰ عـ شب جشن نوروز
- ۲۲۰ آتش افروزی و آتش بازی
- ۲۲۱ عصر و شب عید در آذربایجان (بایرام آخشامی، بایرام گنجه سی)

فصل سوم : آئین و آداب سال نو

- ۲۲۷ ۱- آیین و آداب تحویل سال
- ۲۲۷ خوان نوروزی (سفره نوروزی)
- ۲۳۲ اقلام سفره نوروزی
- ۲۳۴ سفره هفت سین در تهران
- ۲۳۵ سفره هفت سین در آذربایجان
- ۲۴۱ اعلام زمان تحویل
- ۲۴۲ آداب و باورهای تحویل سال نو در ایران امروز
- ۲۴۵ آداب و باورهای تحویل سال نو مردم پایتخت
- ۲۴۶ آداب و باورهای تحویل سال نو در آذربایجان

۲۵۴	۳- آداب ایام نوروز
۲۵۴	رسم آب‌پاشی
۲۶۱	چمچه خاتین (چمچه خاتون)
۲۶۴	مراسم درخواست آفتاب
۲۶۴	رسم دید و بازدید
۲۶۷	رسم دید و بازدید در آذربایجان
۲۷۱	رسم نوروزانه، عیدی، عیدانه
۲۸۵	رسم عیدی در آذربایجان (بایراملیخ / بایراملیخ)
۲۸۵	۴- بازیها و نمایش‌های نوروزی
۲۹۰	چوگان‌بازی
۲۹۰	تخم‌مرغ‌بازی
۲۹۱	بازیهای نوروزی در آذربایجان (اُیناماخ‌لار)
۲۹۲	آرادا ویردی (وسط)
۲۹۲	بازی فندق
۲۹۳	خرس‌بازی و خروس‌بازی

فصل چهار : نوروز در دوره اسلامی

۲۹۸	نوروز در روایات و احادیث اسلامی
۳۰۳	تقارن نوروز با عید غدیرخم
۳۱۱	نوروز در عهد خلفا و علل دوام آن
۳۱۱	نوروز در عهد خلفا
۳۱۶	علل دوام نوروز در عهد خلفا
۳۲۲	کارت تبریک

۳۳۳	 نوروز و شعرهای نوروزی
۳۳۱	 نوروز در دربارهای ایران

فصل پنجم : نوروز در نوشته های جهانگردان خارجی

۳۴۳	 نوروز در زمان صفویه
۳۴۷	 نوروز در زمان شاه صفی
۳۵۰	 نوروز در زمان شاه سلیمان
۳۵۱	 نوروز در زمان قاجاریه
۳۵۱	 نوروز در زمان فتحعلی شاه
۳۵۳	 نوروز در زمان محمدشاه قاجار
۳۵۴	 نوروز در زمان ناصرالدین شاه

فصل ششم : سیزده بدر (روز طبیعت)

۳۸۶	 ۱- عدد سیزده و سیزده فروردین
۳۸۶	 نحسی و ناخجستگی
۳۸۹	 خاستگاه
۳۹۰	 ۲- مراسم سیزده بدر
۳۹۰	 مراسم سیزده بدر در دوره قاجار
۳۹۴	 مراسم سیزده بدر در ایران امروز
۳۹۶	 مراسم سیزده بدر در آذربایجان
۳۹۹	 بازیها و نمایشهای روز سیزده
۴۰۱	 مفاهیم برخی باورهای بخت‌گشایی
۴۰۳	 مفاهیم برخی از رفتارهای سیزده بدر
۴۰۴	 سیزده بدر در میان سایر اقوام و ملل

ویژگی‌های برگزاری نوروز در آذربایجان.....	۴۰۷
نقش نوروز در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان	۴۱۲
نماینه	۴۱۹
کتابنامه	۴۶۹
منابع فارسی و عربی:	۴۶۹
منابع خارجی:	۴۸۵

مقدمه

نوروز در تاریخ و فرهنگ مردم ایران زمین نماد دوستی، صلح، همزیستی و مهربانی؛ سمبل احترام به یکدیگر و مهم‌تر از همه عرض ارادت به مقدسات دینی است که در طول تاریخ پرفراز و نشیب مردم ایران زمین پدیدار گشته است. این نماد ملی از یک سو ریشه در تاریخ کهن این سرزمین دارد و از سوی دیگر با فرهنگ و آیین اسلامی به گونه‌ای عجین گشته است که گویی بخشی از این تعالیم عالیه می‌باشد. در عقاید دینی ما نوروز روز امامت حضرت علی امیرمومنان(ع) است و همچنین گفته‌اند روز ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) خواهد بود.

نوروز گذشته از اینکه یک آداب مرسوم هر ساله است که مردم ایران نوشدن روز و دمیده شدن حیات در تاروپود طبیعت را به شادباش می‌نشینند، نماد هویت و فرهنگ کهن ساکنان ایران زمین است که در این فرهنگ و هویت، مردم آذربایجان جایگاهی بس رفیع دارند، زیرا یکی از خاستگاه‌های هویت ایرانی آذربایجان است. بر همین اساس برگزاری نوروز در آذربایجان با جلوه‌های فراوانی از آداب و رسوم همراه است که شهریار شیرین سخن در منظومه «حیدربابایه سلام» به زیبایی آن را به تصویر کشیده است. لزوم بررسی علمی پیشینه و قدمت این نماد کهن ملی موجب شد تا طرح تحقیقی «نوروز در آذربایجان» در دستور کار مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران قرار گیرد که انجام این طرح تحقیقی را سرکار خانم منصوره وثیق پژوهشگر توانای تبریزی به نحو شایسته به انجام رسانده است و اینک در معرض دید و استفاده عموم مردم و علاقه‌مندان تاریخ و فرهنگ ایرانی آذربایجان قرار می‌گیرد.

این اثر تحقیقی که با مراجعه و استفاده از صدها منبع و مأخذ معتبر علمی فراهم آمده است، در نوع خود پژوهشی کم‌نظیر درباره نوروز محسوب می‌شود. مؤلف کوشیده است از یک سو پیوستگی‌های ملی و جایگاه آن در تاریخ ایران را به خوبی معرفی کند و از سوی دیگر به نحو احسن به تبیین آداب و رسوم نوروزی در آذربایجان بپردازد.

مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن با قدردانی از زحمات طاقت‌فرسای محقق محترم سرکار خانم وثیق، از ویراستار محترم آقای نادر خبازی دولت‌آباد و همچنین از امیر نیکبخت طراح و صفحه‌آرای کتاب و همچنین از مساعدت همکاران محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی تقدیر و تشکر می‌شود

مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن

پیشگفتار

اعیاد و جشن‌ها از جلوه‌های بارز فرهنگ معنوی و حیات تمدن‌هاست. نوروز از روزگاران کهن به ویژه از آغاز دوره ساسانیان تاکنون جشنی طبیعی، فصلی، دینی و ملی برای مردم ایران زمین بوده است. در زمانهای دور جشن‌های چهارشنبه سوری و نوروز و سیزده بدر هرکدام جشن مستقلی به شمار می‌رفته‌اند، اما به مرور زمان دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های فراوان شده و امروزه جشن‌های به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند که هرکدام بخشی از مراسم جشن نوروز را تشکیل می‌دهند. ازین رو، آن دو جشن نیز که هرکدام داستان و بار اساطیری ویژه‌ای دارند مورد مطالعه قرار گرفته است.

کتاب پیش‌رو در شش فصل همراه با فهرست راهنما و مستندات آن تنظیم، و سپس مطالب هر فصل براساس موضوع، طبقه‌بندی و از دیدگاه داستانی، تاریخی و اجتماعی شرح داده شده است. هرچند کتاب حاضر با هدف، بیان و شرح مراسم و آیین و رسوم نوروزی در شمال غرب ایران شامل سه استان آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل تألیف شده است، اما با توجه به وسعت و گستردگی منطقه و نیز پیشینه و قدمت فرهنگی این دیار کهن، این امر با توجه به محدودیت زمانی پژوهش به طور کامل مقدور نشد، و فقط به ذکر کلیات برگزاری رسوم و آیین‌ها، باورها و برخی از راز و رمزهای نهفته در نمادها و نشانه‌ها و ... پرداخته شد.

البته از آنجایی که امکان جمع‌آوری کلیه آداب و رسوم فرهنگی مردم، برای هیچ پژوهشگری به تنهایی مقدور نمی‌باشد، لذا ارسال مطالب تازه با

مشخصات منطقه برای ناشر و مؤلف موجب امتنان در چاپ های آینده خواهد بود. انشاءالله

حروف اختصاری:

ب. م.	بعد از میلاد	ف. ف.	فوت
پ.	پانویشت	م.	میلادی
پ. م.	پیش از میلاد	و.	ولادت
ج.	جلد	ه. ش.	هجری شمسی
ر. ک:	رجوع کنید به	ه. ق.	هجری قمری
ص	صفحه	همان	همان نویسنده؛

همان کتاب

صص صفحات

تشکر و قدردانی

مراتب تشکر و قدردانی خود را از عزیزانی که مرا در این کار یاری داده اند اعلام می نمایم:

- از مدیریت محترم و کتابداران و کارکنان کتابخانه مرکزی تبریز، کتابخانه عمومی تربیت تبریز، کتابخانه عمومی مدرسه عالی علوم اسلامی ولی عصر (عج) تبریز.

- از مدیریت محترم موزه آذربایجان و نیز مسئول کتابخانه موزه.

- از مدیریت محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - مدیریت شمال غرب کشور و همکاران محترمشان، در استفاده از کتابخانه آرشیو.

- از جناب آقای حسن اسودی کارشناس ارشد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که ویراستاری کتاب را تقبل نمودند و نیز به جهت بهره‌گیری از کتابخانه شخصی‌شان.

- از جناب آقای محمدرضا انزابی کارشناس رایانه.

- از جناب استاد محمدعلی فرزبود به خاطر خطّ روی جلد کتاب.

- از جناب آقای رحیم نیکبخت مدیر محترم مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن به خاطر پیشنهاد و چاپ و انتشار کتاب حاضر.

- از جناب آقای دکتر علی اکبر صفی‌پور مدیر کل محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی

منصوره وثیق

تبریز - دی ماه ۱۳۹۱

فصل اوّل:

نوروز، گاهشماری جشن‌ها

مردم ایران در روزگاران کهن، به‌ویژه در دوره ساسانیان به بهانه و انگیزه‌های گوناگون جشن گرفته، به شادی و نشاط می‌پرداختند. یکی از این جشن‌ها، جشن‌های دوازده‌گانه بود که در هر ماه از سال به روزی که نام آن ماه با آن روز برابر می‌افتاد، دست از کار کشیده، به پایکوبی و دست‌افشانی و شادی می‌پرداختند. بنابراین در یک سال دوازده بار روز جشن و شادی داشتند که بدین ترتیب نام‌گذاری شده بود: فروردینگان، اردیبهشتگان، خردادگان، تیرگان، امردادگان، شهریورگان، مهرگان، آبانگان، آذر جشن، دی جشن، بهمنگان یا بهمنجنه و مردگیران یا مژده‌گیران (= اسفندگان: اسفند روز مطابق با پنجم اسفند ماه).

علاوه بر جشن‌های دوازده‌گانه، آنان جشن‌های دیگری نیز داشتند که به آنها نوروز، سده، جشن نیلوفر، خرم‌روز، سیرسور و آبریزگان (برخی تیرگان کوچک را آبریزگان می‌دانند) و گاهنبارها و ... می‌گفتند. بزرگ‌ترین و شکوهمندترین و معظم‌ترین این جشن‌ها، جشن نوروز و مهرگان بود.^۱

اما جشن نوروز، جشن آغاز سال در ایران باستان همواره با آغاز بهار و اعتدال ربیعی مطابقت نمی‌کرد. تحقیق درباره تقویم زمان ساسانیان و منابع پهلوی، حاکی از آن است که تقویم زمان ساسانیان با آنکه شمسی بوده، انتقالی نیز بوده است؛ به همین جهت هنگامی که از طرف حکومت آغاز سال اعلام می‌شد، همیشه مقارن با اعتدال بهاری نبوده است. جشن نوروز، بزرگ‌ترین جشن ملی ایرانیان در طول سال و فصول گردش می‌کرد. اما هیچ‌گاه، هنگام اعتدال

۱. علی بلوکباشی، نوروز: جشن نوزایی آفرینش، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۲۶.

بهاری، گم نمی‌شده است. چون به گزارش استرابون^۱ ایرانیان مراسم ازدواج را در آغاز اعتدال بهاری برگزار می‌کردند که به نظر، رسمی بسیار کهن بوده و با جشن‌های فصلی، یعنی گاهنبارها که در جوامع شبانی - کشاورزی، رسمی معمول بوده و هنگام کشت و دانه‌افشانی، جشن آغاز بهار، با ازدواج‌های دسته‌جمعی برگزار می‌گردید، مرتبط می‌شده است.

هرچند عدم رعایت محاسبه تقویم، تأثیری در اجرای سنن و مراسم نداشت، اما اغلب اتفاق می‌افتاد که به علت عدم نگاهداشت محاسبه دقیق در طول سال، نوروز از تقارن با اعتدال بهاری فاصله زیادی پیدا می‌کرد و برای برگرداندن نوروز به جای طبیعی خود و رعایت هنگام درست اعتدال ربیعی، هرچند سال یک بار، یک ماه به سال می‌افزودند.^۲ بنابراین سال نو همواره در آغاز بهار قرار نمی‌گرفته است.

در امپراتوری هخامنشی سه نوع گاهشماری وجود داشت: یک گاهشماری رسمی و درباری و دو گاهشماری بومی و مردمی. نمونه‌هایی از گاهشماری‌های محلی و بومی، هنوز هم در میان برخی از جوامع کشاورزی ایران رایج است.

۱. Strabon، ۶۳ پ. م. - ۲۵ م.، جغرافیای دان و مورخ یونانی. کتاب جغرافیای او منبع سرشاری است برای کسب اطلاع درباره دنیای قدیم.

۲. هاشم رضی، جشن‌های آب: نوروز، سوابق تاریخی تا امروز، جشن تیرگان و آب‌پاشان، آبریزگان همراه با گزارش‌هایی درباره آداب و رسوم ملی و دینی زرتشتیان، تهران: بهجت، ۱۳۸۳، صص ۵۴-۵۵.

کریستن سن^۱ با استناد به بررسی‌های مارکوآرت،^۲ معتقد است که جشن سال نوی ایرانیان در اوایل دوره هخامنشی آغاز پاییز بوده است، اما در اواخر پادشاهی داریوش اعتدال بهاری را آغاز سال قرار داده و جشن می‌گرفته‌اند:

سال ایرانیان باستان به صورتی که آن را در سنگ‌نوشته‌های داریوش در بیستون می‌یابیم، در پاییز آغاز می‌شد و جشن بسیار معروف مهرگان (بَگِیاد)^۳ ایران باستان در اصل جشن اوّل سال ایرانیان بوده است. اما در همان هنگام در حدود اواخر فرمانروایی داریوش، ایرانیان که تحت تأثیر تمدن آسیای مقدم و سرزمین‌های مدیترانه قرار گرفته بودند، تقویم مصری را پذیرفتند که برطبق آن سال به دوازده ماه سی روزه به اضافه پنج روز اضافی (خمسۀ مسترقه) تقسیم شده بود و در اعتدال بهاری آغاز می‌شد. این سال یعنی سال اوستایی جدید، سال دین زردشتی گشت و تا امروز در نزد پارسیان حفظ گردیده است. اما یک سال اوستایی قدیم نیز وجود داشته است و آن سال دهقانی است که شش گاهنبار یا جشن‌های فصلی بدان تعلق دارد و در تقویم پارسیان برجای مانده است؛ این سال اوستایی قدیم در انقلاب تابستانی آغاز می‌شده است.

در ایران باستان سالی وجود داشت که با اوّل دَذَو (= دی) آغاز می‌شد. به نظر می‌رسد که سال اوستایی جدید که در دوره داریوش معمول گشت، با ماه

۱. Arthur Emanuel Christensen، ۱۸۷۵-۱۹۴۵م.، ایران‌شناس دانمارکی، که آثار گرانمایی از خود به یادگار گذاشته است. از جمله آثار وی: ایران در زمان ساسانیان، نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، وضع ملت و دولت و دربار در دوره ساسانی و ... می‌باشد.

۲. Yozef Marquart (۱۸۶۴-۱۹۳۰م.)، ایران‌شناس آلمانی، از سال ۱۹۱۰م. تا هنگام مرگ استاد

فقه‌اللغة ایرانی و ارمنی در دانشگاه برلین بود. آثار وی مشتمل است بر گاهشماری کتیبه‌های ترکی

قدیم، ایرانشهر، تحقیقات در تاریخ ایران و ... می‌باشد.

دذو (= دی یعنی [ماه] آفریدگار، ماه اورمزد) آغاز می‌شد که روز اول آن، روز اول سال در اعتدال بهاری، با نام «خرم روز» جشن گرفته می‌شد، و آغاز سال اوستایی قدیم روز اول سال در انقلاب تابستانی، در میان مردم حفظ شده بود (اولین روز فروردین در سال با اول دی آغاز می‌گشت). سپس زمانی پیش از دوره ساسانیان یا در همان دوره با مصالحه‌ای میان تقویم دینی و تقویم عامه سال جدیدی پیدا شد که مانند سال عامه در اول فروردین آغاز می‌گشت، و این تاریخ با اعتدال بهاری تطبیق داده شد؛ به طوری که آغاز نجومی سال دینی سستی حفظ گردید و این سالی است که پارسیان آن را تا به امروز حفظ کرده‌اند. روز اول سال در اعتدال بهاری، اول فروردین، عید نوروز است. با این همه در دوران ساسانیان همچنان به برگزاری جشن خرم روز در اول دی (آخر دسامبر در تقویم جدید) ادامه می‌دادند.^۱

به نوشته ابوریحان بیرونی^۲ میان گاهشماری ایرانیان و سغدی‌ان همانندی بود و در تقسیم سال و ماه و روز و گرفتن کیسه و مراعات پنجه با تفاوت کمی، از ایرانی‌ها پیروی می‌کردند: «سغدی‌ان نیز ماههای خود را مطابق چهار قسمت سال تقسیم کرده بودند. اول (نوسرد) از ماه‌های سغدی اول تابستان بود و میان

۱. آرتور کریستن سن، نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران: نشر نو، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۴۷۷-۴۷۸.

۲. ابوریحان محمد بن احمد بن بیرونی خوارزمی ۳۶۲-۴۴۰ ه.ق.، از بزرگ‌ترین مفاخر و نوابغ و دانشمندان ایرانی است. وی نه تنها از طبقه عالی فلاسفه و علمای ریاضی و هیت و نجوم شمرده می‌شود، بلکه در معارف بشری از جمله فنون ادب و تاریخ و جغرافیا و طبیعات و ... نیز احاطه کامل داشته است. برخی از کتب این دانشمند از این قرار است: التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، مقالات علم الهیته، قانون مسعودی، کتاب فی تحقیق ماللهند من مقوله مقبوله فی العقل او مردوله، ...

ایشان و فارسیان در اوایل سالها و برخی از ماه‌ها اختلافی نبود جز در آن پنج روز که به سال ملحق شده^۱ بود.

گاهنبارها

تقویم اوستایی دارای شش گاهنبار می‌باشد که هر فصل را گاه (در پهلوی گاس) می‌نامند و در پایان هر گاه جشنی پنج روزه، به نام گاهانبار می‌گرفتند، که هنوز هم زردشتیان آن را برگزار می‌کنند.

واژه گهنبار یا گاهنبار که در پهلوی گاسانبار به تبدیل سین و هاء به یکدیگر تلفظ می‌شود، در اینکه جزء اولش «گاه» به معنی وقت است شکی نیست اما دربارهٔ جزء دومش، نظرات گوناگونی ابراز شده است. به احتمال اصل این کلمه گاهانبار بوده است، مرکب از «گاه» به معنی وقت و «بار» به معنی دفعه و نوبت و یا اینکه «پار» به معنی بخش و پاره و قسمت. الف و نون در این کلمه یا نظیر الف و نون در سحرگاهان و صبحگاهان و بامدادان و امثال آنها یا علامت جمع است. به هر صورت کلمهٔ گاهانبار که در تخفیف گاهنبار و گهنبار شده به معنی چند گاه و چند نوبت است که در آنها به عقیدهٔ زردشت آفرینش جهان به پایان رسید.

گاهنبارها شش تاست و برای هر کدام پنج روز جشن می‌گیرند که روز پنجم از همه مهم‌تر و چهار روز اول به منزلهٔ مقدمات آن روز است.

۱- نخستین گاهنبار، میثویوی زرمی،^۲ روز پانزدهم اردیبهشت ماه (دی به مهر) چهل و پنجمین روز از اول سال، که در آن آسمان آفریده شد.

۱. ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه، ترجمهٔ اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۶۱.

۲. Maidyai yarmaya.

۲- دومین گاهنبار، میذیوی شَمَ گاه،^۱ روز پانزدهم تیر ماه (دی به مهر)، صد و پنجمین روز سال، که در آن آب آفریده شد.

۳- سومین گاهنبار، پَئیشَه هیَ گاه^۲ (یا پتیه شهیم، فیشههم کاه)، روز سیام شهریور ماه (انیران)، صد و هشتادمین روز سال، که در این روز زمین آفریده شد.

۴- چهارمین گاهنبار، ایاثَرِمَ گاه،^۳ سیام مهر ماه (انیران)، دویست و دهمین روز سال، که در آن گیاه و درخت‌ها آفریده شد.

۵- پنجمین گاهنبار، میذیایری گاه^۴ (یا مدیایریم کاه)، بیستم دی ماه (بهرام)، دویست و نودمین روز سال، که جانوران آفریده شدند.

۶- ششمین گاهنبار، هَمَسَپَتَ میذیَ گاه^۵ (یا همشفتمیذی کاه)، در آخرین روز اندرگاه، یعنی سیصد و شصت و پنجمین روز سال، که «وهیشتوایشَت گاه» می‌نامند، واقع است که انسان آفریده شده است.^۶

محمدحسین بن خلف تبریزی،^۱ در برهان قاطع نوشته است:

۱. Maidya chema.

۲. Paitichahya.

۳. Ayathrima.

۴. Maidhyairya.

۵. Hiamaspathmaedaya.

۶. ابوریحان بیرونی، التَّفهیم لاوائل صناعه التَّنجیم. به تصحیح جلال همایی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳، صص ۲۶۰-۲۶۱؛ پ. صص ۲۶۰-۲۶۱.

این عقیده که جهان و موجودات آسمان و زمین در شش دوران آفریده شده مطابق با آیین اسلام است: إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ... قرآن. اعراف، ۷: ۵۴.

«... و آن شش روزی است که خدای تعالی عالم را در آن آفرید و مجوس در کتاب زند از زردشت نقل می‌کنند که حق سبحانه و تعالی عالم را در شش گاه آفرید و اوّل هر گاهی نامی دارد و در اوّل هر گاهی جشنی سازند».^۲

کیسه

واژه کیسه معرّب واژه سریانی کیشتا، به معنی پُر و افزوده می‌باشد. در زبان فارسی و زبان عربی این واژه فقط برای سال کیسه به کار می‌رود. بدین معنی که در گاهشماری‌های خورشیدی سال را ۳۶۵ روز می‌آورند، در صورتی که زمان گردش زمین به دور خورشید، ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه است. برای یکسان کردن، ساعت‌های افزون را هر چهار سال یک روز به شمار آورده و در سال چهارم یک روز به ماه اسفند، که ۲۹ روز است، می‌افزایند.

در ایران پیش از اسلام، این ساعت‌ها و دقیقه‌های افزون را شمارش کرده و هر ۱۲۰ سال یک ماه به سال می‌افزودند. در پی ناآرامی‌های اواخر عهد ساسانی، از زمان خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۷ پ. م.)، این کیسه کردن انجام نشد؛ عدم اجرای کیسه، موجبات نابسامانی و اشکال و جابه‌جایی در تاریخ جشن‌ها شد و

۱. محمدحسین بن خلف تبریزی، معروف به برهان، شاعر و لغت‌نامه‌نویس ایرانی در سده ۱۱ ه.ق. در تبریز به دنیا آمده و در هندوستان روزگار گذرانده است. (غلامحسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۴۲۰، ذیل «برهان»).

۲. محمدحسین بن خلف تبریزی برهان. برهان قاطع. به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱، ج ۳، صص ۱۷۷۲-۱۷۷۳، ذیل «گاهنبارها».

هنگام نوروز که در گاهنامه ایران، آغاز سال و فروردین ماه بود، از آغاز بهار (اعتدال ربیعی) به آغاز تابستان (انقلاب صیفی) رسید، و چندی بر این روال بود، تا اینکه در زمان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی (۶۶۵-۴۸۵ ه.ق. ۱۰۷۳-۱۰۹۲ م.)، تقویم جدیدی تنظیم و کیسه دوباره برقرار گردید.

برای کیسه کردن در گاهشماری قمری که سال آن $354 \frac{11}{20}$ روز است و از سال شمسی نزدیک به ۱۱ روز کم دارد، هر سه سال یک ماه به سال قمری افزوده و آن را ۱۳ ماه محاسبه می‌کردند. کیسه کردن سال قمری میان مسلمانان، از سال دهم هجری به دستور پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) ممنوع گردید، ولی هندیان آن را حفظ نموده هر سه سال، یک ماه به گاهشماری قمری می‌افزایند.^۱

تقسیم‌بندی روزهای سال به هفته، ماه و فصل و تعیین آغاز سال، در همه کشورها و در همه زمانها به یک روال نمی‌باشد. اما معیار اندازه‌گیری زمان، در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اغلب کشورهای جهان بر اساس گاهشماری خورشیدی (شمسی) و عبارت از یک بار گردش زمین به دور خورشید است که مدت آن $365/2422$ روز (= 365 روز و 5 ساعت و 48 دقیقه و 46 ثانیه) می‌باشد.

گاهشماری رسمی ایران، سال شمسی است که به چهار فصل سه ماهه تقسیم شده است. از سال ۱۳۰۴ خورشیدی شش ماهه اول سال ۳۱ روز و پنج ماه

۱. سیدحسن تقی‌زاده، گاهشماری در ایران قدیم، زیر نظر ایرج افشار، تهران: شکوفان، ۱۳۵۷.

بعدی ۳۰ روز و اسفند ماه ۲۹ روز محاسبه می‌شود و با سی روز حساب کردن اسفند ماه، در هر چهار سال، یک بار کیسه می‌شود.

پنجه (خمسه مسترقه، بهیزک)

در گاهشمار قدیم ایران، هر یک از دوازده ماه سال، سی روز است و هر یک از روزهای ماه به نام یکی از ایزدان خوانده می‌شد و چون سال خورشیدی، ۳۶۵ روز و ربعی است، پنج روز اضافی و باقی‌مانده سال را $(5 = 30 * 12 - 365)$ کیسه می‌گرفته‌اند. این کیسه سال را در عربی «خمسه مسترقه»^۱ و در فارسی پنجه، پنجک، در زبان و تقویم مازندرانی پیتک و در پهلوی بهیزک و «وهیجک»، پنجه وه، اندرگاه نامیده‌اند.^۲

«سال حقیقی سی صد و شصت و پنج روز و ربع روز است، پارسیان پنج روز دیگر سال را پنجگی و اندرگاه گویند. سپس این نام تعریف^۳ شد و اندرگاه گفته شد و نیز این پنج روز دیگر را ایام مسروقه و یا مسترقه (دزدیده شده) می‌نامند، زیرا که در شمار هیچ‌یک از شهور محسوب نمی‌شود...»^۴.

۱. به معنی پنجه دزدیده، وجه تسمیه آن به دزدیده آن است که گویا وزیر یکی از پادشاهان عجم حاصل این پنج روز را از تمام ممالک به حساب نمی‌آورده. (علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۴، ص ۵۰۱۳، ذیل «پنجه دزدیده»).

۲. پرویز ادکایی، نوروز: تاریخچه و مرجع‌شناسی، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران - وزارت فرهنگ و هنر، [۱۳۵۳]، ص ۵؛ محمود روح‌الامینی، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز (نگرش و پژوهشی مردم‌شناختی، [تهران]: آگاه، ۱۳۷۶، صص ۴۳-۴۴).

۳. به عربی ترجمه کردن. به تازی گردانیدن کلمه‌ای غیر عربی را به صورت عربی درآوردن. بی‌غلط و فصیح بیان کردن. (محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، صص ۴۶۳-۴۶۴، ذیل «تعریف»).

۴. ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه، ص ۶۹.

پنجه (خمسه مسترقة)، در گاهشماری ایران، کیسه‌ای هر ساله بود که برای یکسانی تقویم پنج روز به پایان سال یا به آغاز سال می‌افزودند. در این پنج روز دست از کار کشیده، جشن گرفته و به شادی می‌پرداختند.^۱

فروردگان

تقویم اوستایی دارای شش گاه یا فصل بوده که در پایان هرگاه جشنی پنج روزه، به نام گاهنبار برگزار می‌کردند و هنوز هم این رسم میان زردشتیان معمول است.

آخرین گاهنبار، هَمَسْ پَتْ مَئِدِیَه^۲ شامل پنج روز اضافی سال، یعنی پنجه دزدیده است که جای آن در آخرین ماه از دوازده ماه سی روزه است. اما هنگامی که گاهشماری اصلاح گردید و آغاز سال، در اوّل بهار و اعتدال ربیعی قرار گرفت، نوروز در ششمین روز جشن واقع شد. به این معنی که پس از پنج روز جشن آخرین گاهنبار که در پنجه دزدیده برگزار می‌شد، نخستین روز سال، ششمین روز از دو جشن پیوسته بود و روز ششم، نوروز بزرگ و جشن بزرگ نامیده شد.

آخرین گاهنبار در پهلوی هَماسپَتمان^۳ نام داشت و در ایران باستان جشن فَرَوهران یا روان در گذشتگان محسوب می‌شد. در آن دوران، این جشن ده روز و ده شب طول می‌کشید، زیرا در فروردین یَشت، یعنی یَشت سیزدهم، بند ۴۹ به بعد تصریح شده است که در طول ایّام هَمَسْ پَتْ مَئِدِیَه فروهرهای نیک

۱. سید حسن تقی‌زاده، گاهشماری در ایران قدیم، صص ۴۰-۴۱.

۲. Hamaspatamdaya.

۳. Hamaspaman.

درگذشتگان از منزلگاه‌های خود به مدّت ده شب فرود آمده و در خانه و کاشانه خود می‌مانند. این همان یادمان «سَرَسال» ایزدیان است که امروزه هم به آن باور دارند. اما بعد، این گاهنبار به یادمانِ آفرینشِ انسان، یعنی آخرین مرحلهٔ آفرینش برگزار گشت و جشن فروهرها به پنج روز آخر آبان ماه برده شد. یعنی اَشْتادروز یا روز بیست و ششم آبان تا انیران روز که سی‌امین روز آن ماه بود.^۱ از نوشتهٔ ابوریحان بیرونی چنین برمی‌آید که تا آن هنگام هنوز هم بعضی از زردشتیان ایّام فَرَوَهَران را در پنج روز اضافی سال که همان پنجهٔ دزدیده بود برگزار می‌کردند و جای آن پس از اتمام آبان ماه، در پنجهٔ اضافی سال قرار می‌گرفت که پس از آن آذر ماه قرار داشت: «...پارسیان این پنجهٔ دزدیده شده را میان آبان ماه و آذر ماه قرار دادند».^۲

پس از ساسانیان، هنگامی که ایرانیان، اسلام و تقویم قمری را پذیرفتند، جشن دینی هَمَسْ پَتْ مَئِدَیَه فراموش شد، اما آداب و رسوم آن، به حساب آداب و رسوم نوروز گذاشته شد و دوام یافت. جشن نوروز و اعتدال ربیعی، آغاز سال محسوب شد، اما یاد و خاطرهٔ عظمت و بزرگی و شکوه روز ششم، در ذهن‌ها باقی ماند و هنوز هم نزد ایرانیان به خصوص زردشتیان گرامی داشته می‌شود.^۳

۱. هاشم رضی، جشن‌های آب: ...، ص ۵۸.

۲. ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه، ص ۶۹.

۳. هاشم رضی، جشن‌های آب: ...، صص ۵۸-۵۹.

هنگام نوروز و نوروزها

نوروز نخستین روز از فروردین ماه است و از این جهت روزِ نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است.^۱ اما چون ایرانیان حساب یک چهارم روز را در سالهای خورشیدی نگاه نمی‌داشتند، موجب سیّار بودن نوروز می‌شد و نوروز از جایگاه حقیقی خود دور می‌گشت، چنان که در اواخر شاهنشاهی ساسانیان در تابستان قرار گرفته بود. و در عهد خلافت المعتضد علی‌الله (۲۷۹—۲۸۹ هـ.ق./ ۸۹۲—۹۰۲ م.) در ۲۶ حَمَل و در سال ۴۶۷ هـ.ق. دوران سلطنت ملک‌شاه سلجوقی در نیمهٔ برج حوت واقع شد و در همین سال بود که به فرمان این شاه تقویم پارسی اصلاح شد و نوروز به اوّل حَمَل (فروردین) عودت داده شد.

در کتابهایی که در اوایل ظهور اسلام دربارهٔ ایران نوشته شده است، در مباحث راجع به جشن‌ها، به‌ویژه نوروز، به ذکر چند نوروز برمی‌خوریم. یکی از آنها، جشنی بوده در روز فروردین از ماه اسفند، یعنی نوزدهمین روز این ماه که نوروز رودها نامیده می‌شد. مردم در این روز، چیزهای خوشبو در آب می‌افکندند، به‌ویژه آبهای روان که در آن گلاب می‌ریختند.^۲

نوروزهای معروف عبارت است از: نوروز معتضدی، نوروز عضدی، نوروز جلالی، نوروز خوارزمشاهی و نوروز غازانی.

۱. ابوریحان بیرونی، التّفهیم لاوائل صناعه التّنجیم. ص ۲۵۳.

۲. هاشم رضی، جشن‌های آب: ... صص ۸۷-۸۸.